

The impact of social capital of state on political development from point of view Tehranian citizens

Babak Arsia *
Ahmad Saie **

Received: 2019/05/29
Accepted: 2019/10/01

This study seeks to investigate the effect of social capital and its dimensions (social trust and social participation) on political development and its three dimensions (satisfaction of the political situation, the sense of political freedom and the sense of belonging to society). The results show that social trust has a positive influence on the attitude of Tehran citizens toward political development. Also, the social trust variable has a positive effect on the three dimensions of attitude toward political development, the dimensions of satisfaction of the political situation, the sense of political freedom and the sense of belonging to society. In terms of the desirability of the attitude of Tehran citizens to development only then the feeling of belonging to society is at a desirable level, and the dimensions of feeling of political freedom and satisfaction of the political situation as well as the changing attitude of attitude toward political development are not at a desirable level. Regarding the prioritization of social trust dimensions as well as the lack of structural violence in the first priority, and dimensions of administrative and financial corruption, facilitating political - social interactions, transparency in punishment, transparency of media, trust in media, trust in governance, economic justice and speech transparency are in the next priorities. As well as the variable of social participation on the three dimensions of attitude toward political development, the dimensions of satisfaction of the political situation, the sense of political freedom and the feeling of belonging to society has a positive effect.

Keywords: Social capital, Social trust, Social participation, Political development, Citizens ,Tehran, State.

* Assistant Professor of Political Science at Jihad Daneshgahi Institute, Tehran, I.R. Iran.
babakarsia@yahoo.com

** Associate Professor of Political Science at Tehran University, Tehran, I.R. Iran.
(Corresponding author) saie@ut.ac.ir

تأثیر سرمایه اجتماعی دولت بر توسعه سیاسی از دیدگاه شهروندان تهرانی

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۹

بابک ارسیا*

احمد ساعی**

چکیده

این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر ابعاد سه گانه توسعه سیاسی (رضایت از اوضاع سیاسی، احساس آزادی سیاسی، احساس تعلق به جامعه) می‌باشد. پژوهش با تمرکز بر شهروندان تهرانی بالای ۱۸ سال شهر تهران اعم از زن و مرد، در نیمه دوم سال ۱۳۹۷ انجام شده است. نتایج حاکی از آن است که اعتماد اجتماعی بر روی نگرش شهروندان تهرانی نسبت به توسعه سیاسی تأثیر مثبت دارد. همچنین متغیر اعتماد اجتماعی بر روی سه بُعد نگرش نسبت به توسعه سیاسی نیز تأثیر مثبت دارد. به لحاظ مطلوبیت نگرش شهروندان تهرانی به توسعه تنها بُعد احساس تعلق به جامعه در سطح مطلوبی قرار دارد، و ابعاد احساس آزادی سیاسی و رضایت از اوضاع سیاسی و همچنین متغیر نگرش به توسعه سیاسی در بین افراد در سطح مطلوبی قرار ندارند. در خصوص اولویت بندی ابعاد اعتماد اجتماعی نیز فقدان خشونت ساختاری در اولویت نخست، و ابعاد کنترل فساد اداری و مالی، تسهیل تعاملات سیاسی - اجتماعی، شفافیت رفتاری، میزان انعطاف‌پذیری، عدالت در مجازات، شفافیت اطلاعاتی، اعتماد به رسانه، اعتماد به نهادهای حکومتی، عدالت اقتصادی و شفافیت گفتاری در اولویت‌های بعدی قرار دارند. همچنین متغیر مشارکت اجتماعی بر روی سه بُعد نگرش نسبت به توسعه سیاسی یعنی ابعاد رضایت از اوضاع سیاسی، احساس آزادی سیاسی و احساس تعلق به جامعه نیز تأثیر مثبت دارد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، توسعه سیاسی، شهروندان، تهران، دولت.

* مربی پژوهشگر علوم سیاسی جهاد دانشگاهی، تهران، جمهوری اسلامی ایران babakarsia@yahoo.com

** دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول) saie@ut.ac.ir

مقدمه

بیان مسئله: توسعه سیاسی با توجه به تحولات جامعه جهانی، به هدفی راهبردی تبدیل شده که کشورهای مختلف سعی در تعریف، طراحی و عملیاتی سازی آن به منظور بهبود کیفی زندگی سیاسی-اجتماعی دارند. از این منظر شناسایی و تحلیل نقش عوامل مختلفی که بر میزان توسعه سیاسی کشورها تأثیر دارند؛ به موضوعی ارزشمند تبدیل شده که اندیشه‌گران و دولتمردان به آن عطف توجه نموده‌اند. پژوهش حاضر از این منظر به موضوع نگرینسته و دغدغه اصلی آن ناظر بر تحلیل تأثیر سرمایه اجتماعی در این حوزه راهبردی است.

اهمیت: موضوع حاضر دارای اهمیت کاربردی است؛ چرا که بررسی‌های انتقادی نسبت به طرح و برنامه‌های توسعه‌ای حکایت از آن دارد که پشتیبان اجتماعی میزان توفیق در این حوزه را به شدت افزایش داده و به پایداری «توسعه» کمک می‌کند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳، صص. ۴۹-۴۵).

ضرورت: کم توجهی به نقش سازنده سرمایه اجتماعی در توسعه، به تکوین و بروز بحران‌های اجتماعی و سیاسی دامن زده (گیدنز، ۱۳۸۱، صص. ۲۵۹-۲۴۹) و از این طریق تحصیل اهداف ناشی از توسعه‌یافتگی - مانند افزایش میزان مشروعیت نظام را دشوار می‌سازد. بنابراین انجام پژوهش‌هایی از این قبیل افزون بر ضرورت نظری دارای ضرورت راهبردی برای جامعه و کشور ما است.

اهداف: هدف اصلی این پژوهش کمک به ارتقای الگوی توسعه سیاسی کشور از طریق شناسایی و تحلیل دیدگاه شهروندان است. در این راستا، آسیب‌شناسی وضعیت موجود و طراحی پیشنهادات اولیه، نیز به عنوان اهداف فرعی دنبال می‌شوند.

سؤال‌ها: در این پژوهش برآنیم به این پرسش پاسخ دهیم که توسعه سیاسی و ابعاد آن (مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی) چه تأثیری بر نگرش افراد نسبت به توسعه سیاسی و ابعاد آن (احساس آزادی سیاسی، حس تعلق به جامعه، رضایت از اوضاع سیاسی) دارند؟ در این چشم‌انداز پرسش از ابعاد توسعه سیاسی، و همچنین مشارکت اجتماعی به عنوان سؤال‌های فرعی طرح و پاسخ داده خواهند شد.

فرضیه اصلی

- مشارکت و اعتماد اجتماعی بر نگرش نسبت به توسعه سیاسی در بین شهروندان تهرانی تأثیر مثبت معنادار دارد.

فرضیه‌های فرعی

- اعتماد اجتماعی بر رضایت از اوضاع سیاسی در بین شهروندان تهرانی تأثیر مثبت معنادار دارد.

- اعتماد اجتماعی بر احساس آزادی سیاسی در بین شهروندان تهرانی تأثیر مثبت معنادار دارد.

- اعتماد اجتماعی بر احساس تعلق به جامعه در بین شهروندان تهرانی تأثیر مثبت معنادار دارد.

- مشارکت اجتماعی بر رضایت از اوضاع سیاسی در بین شهروندان تهرانی تأثیر مثبت معنادار دارد.

- مشارکت اجتماعی بر احساس آزادی سیاسی در بین شهروندان تهرانی تأثیر مثبت معنادار دارد.

- مشارکت اجتماعی بر احساس تعلق به جامعه در بین شهروندان تهرانی تأثیر مثبت معنادار دارد.

۱. پیشینه تحقیق

در ارتباط با امر توسعه سیاسی و سرمایه اجتماعی می‌توان منابع معتبر موجود را به دو گروه اصلی تقسیم نمود:

۱-۱. آثاری که به سرمایه اجتماعی بصورت عام پرداخته‌اند و بر شاخصه‌هایی جدا از مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی تأکید کرده‌اند. از آنجمله: تیلور (۲۰۰۹)، در مقاله‌ای با عنوان «مشروعیت سیاسی و شهروندی اجتماعی» به بررسی مسئله مشروعیت سیاسی در دولت‌های رفاهی پرداخته است. وی در مقاله خود ادبیات نظری و تجربی مرتبط با تأمین رفاه اجتماعی، مشروعیت سیاسی را بررسی کرده است. یافته‌های تحقیق وی حاکی از آن است که تأمین رفاه اجتماعی منجر به مشروعیت

می‌شود، که این امر در نتیجه تمایزگذاری بین روش‌های سنتی و مدرنیستی دولت رفاهی از سوی افکار عمومی است و در نتیجه عدم حمایت افکار عمومی از سیاست‌هایی که باعث کاهش سود می‌شوند را به همراه دارد (Taylor, 2009). آلبانو و باربارا (۲۰۰۹)، در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه‌ی اجتماعی، دولت رفاهی و مشروعیت سیاسی»، با استفاده از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به بررسی تأثیر متنی مکانیسم‌های خرد جهت توضیح مشروعیت سیاسی پرداخته‌اند. آنها ۴ کشور را انتخاب کردند که هر یک از این کشورها مطالعه موردی رژیم‌های رفاهی مختلف هستند. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد که رفتار کمک کردن به دیگران در رژیم‌های رفاهی ضعیف‌تر پیامدهای منفی و مضر برای مشروعیت سیاسی در پی دارد. چرا که این امر کمک به دیگران حس حقارت را در افراد ضعیف که محتاج کمک هستند را تقویت می‌کند و این حس باعث بی‌اعتمادی آنها به دولت و در نتیجه کاهش مشروعیت سیاسی دولت می‌شود (Albano & Barbara, 2009). بیکرتون (۲۰۰۷)، در مقاله‌ای با عنوان «مشروعیت از طریق هنجارها» به بررسی مفهوم هنجاری قدرت در اروپا از طریق چارچوب مشروعیت پرداخته است (Bickerton, 2007). مک کرون و کراد در پژوهشی با عنوان «نظریه ارتباطی توسعه سیاسی دموکراتیک» در سال ۱۹۶۷ این گونه استدلال کرده‌اند که بر اساس مطالعات آماری معمولاً در فرایند توسعه عمومی، گسترش شهرنشینی به توسعه بخش آموزشی می‌انجامد و عامل اخیر به نوبه خود موجب توسعه بخش ارتباطات می‌شود و همه این تحولات، خود موجب توسعه سیاسی می‌شوند. سیمو و مارتین لپیست جامعه‌شناس آمریکایی در مقاله‌ای در سال ۱۹۵۹ صریحاً نشان داد که میان توسعه سیاسی و عوامل اجتماعی و اقتصادی رابطه همبستگی قوی وجود دارد. وی برخی از کشورها را بر حسب شاخص‌های اقتصادی مانند درآمد ملی، صنعت، آموزش و شهرنشینی با یکدیگر مقایسه کرد و به این نتیجه رسید که نظام‌های سیاسی عقب‌مانده و توسعه یافته بر مبنای این شاخص‌ها با یکدیگر تفاوت اساسی دارند (به نقل از: سلمانی، ۱۳۹۴، ص. ۴).

۱-۲. آثاری که اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی را شاخص برقراری توسعه

سیاسی دانسته‌اند. در این خصوص می‌توان به این آثار اشاره داشت: روتستین (۲۰۰۰)، در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه‌ی اجتماعی و مشروعیت نهادی» به بررسی دو مفهوم اعتماد عمومی در بین شهروندان و اعتماد نهادی (اعتماد به دولت) پرداخته است. وی در مقاله‌ی خود به این نتیجه می‌رسد که سازمان‌های دولتی در اشکال مختلف به عملکرد خود باعث کاهش اعتماد مردم به دولت شده‌اند و این امر نیز کاهش مشروعیت سیاسی دولت را به همراه داشته است. این در حالی است که همزمان که اعتماد به دولت و سازمان‌های دولتی (اعتماد نهادی) کاهش یافته، اعتماد عمومی (اعتماد مردم جامعه به یکدیگر) نه تنها کاهش نداشته، بلکه افزایش نیز داشته است (Rothestein, 2000). کیان تاج بخش (۱۳۸۴) در کتاب مجموعه مقالات «سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه» که در بردارنده ۱۹ مقاله (اعم از تالیف یا ترجمه) است با هدف ارائه یک متن تخصصی - کمکی سعی نموده است که ضمن آشنایی با مفهوم و نظریه‌های سرمایه اجتماعی، روش سنجش سرمایه اجتماعی، انتقادات و کاربردهای آن برای خوانندگان بیان شود. کیان تاج بخش در این کتاب مقاله‌ای تحت عنوان «سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی» دارد و به طرح این پرسش اساسی می‌پردازد که آیا روابط اجتماعی و تشکلهای سنتی در سرمایه اجتماعی و افزایش دموکراسی سهمی دارند؟ (تاج بخش، ۱۳۸۴، ص. ۸).

دانیل لرنر در اثر کلاسیک خود «گذر از جامعه سنتی و نوسازی خاورمیانه» پیدایش جامعه مبتنی بر مشارکت سیاسی متضمن وقوع توسعه شهرنشینی، توسعه آموزش عمومی و توسعه وسایل ارتباطی است. به نظر لرنر الگوی توسعه غرب، الگوی جهانی است که در طی آن، افزایش شهرنشینی به افزایش سواد و آموزش، افزایش ارتباطات، افزایش مشارکت عمومی در زندگی اقتصادی و نهایتاً افزایش مشارکت سیاسی می‌انجامد (Lerner, 1956:5). "ملاحظات و راهبردهای ارتقای سرمایه اجتماعی" عنوان مقاله‌ای است که پاک سرشت در فصلنامه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به چاپ رسانده است. در این مقاله آمده که با وجود این که طی دو دهه گذشته این مفهوم از اقبال خوبی در بین محققان برخوردار شده است و حتی وارد گفت‌وگوهای روزمره و ادبیات مردان سیاست شده است، تأمل در راهبردهای ارتقای این نوع سرمایه

برای بهره‌مندی از منافع آن چندان توسعه یافته نیست. نوشتار حاضر در همین راستا می‌کوشد به این سوال پاسخ دهد که با اتکا به چه ملاحظات و راهبردهایی می‌توان به مداخله و مدیریت در سرمایه اجتماعی ایرانی اندیشید؟ (پاک سرشت، ۱۳۹۳، ص. ۷).
غفاری، بیگی نیا و تصمیم در پژوهشی تحت عنوان "عوامل موثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران" عواملی مانند تاثیر رشته تحصیلی بر مشارکت سیاسی، تاثیر فضا بر مشارکت سیاسی و تاثیر دانشکده بر مشارکت سیاسی و انگیزه دانشجویان در مشارکت سیاسی را مورد بررسی قرار داده‌اند (غفاری هشجین و همکاران ۱۳۸۹). یافته‌های مقاله حاضر با رویکردی کارکردگرایانه بدبینی سیاسی، بی‌اعتمادی اجتماعی و احساس عدم امنیت آشکار را از نشانه‌های بارز مشکلات توسعه سیاسی در بین شهروندان تهرانی نشان می‌دهد. وجه تمایز این پژوهش استفاده از روش تلفیقی (کمی-کیفی) می‌باشد. ضمناً تأثیر دو شاخص مهم از سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی بر روی ابعاد نگرش به توسعه سیاسی یعنی حس آزادی سیاسی، حس تعلق به جامعه و رضایت از اوضاع سیاسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.
در مجموع پژوهش حاضر از حیث مولفه‌های سنجش نسبت به موارد مشابه، کاملتر است و افزون بر آن از حیث جامعه آماری با مطالعات پیشین متمایز است. در نهایت یافته‌های آن نسبت به موارد قبلی به روز ارزیابی می‌شود.

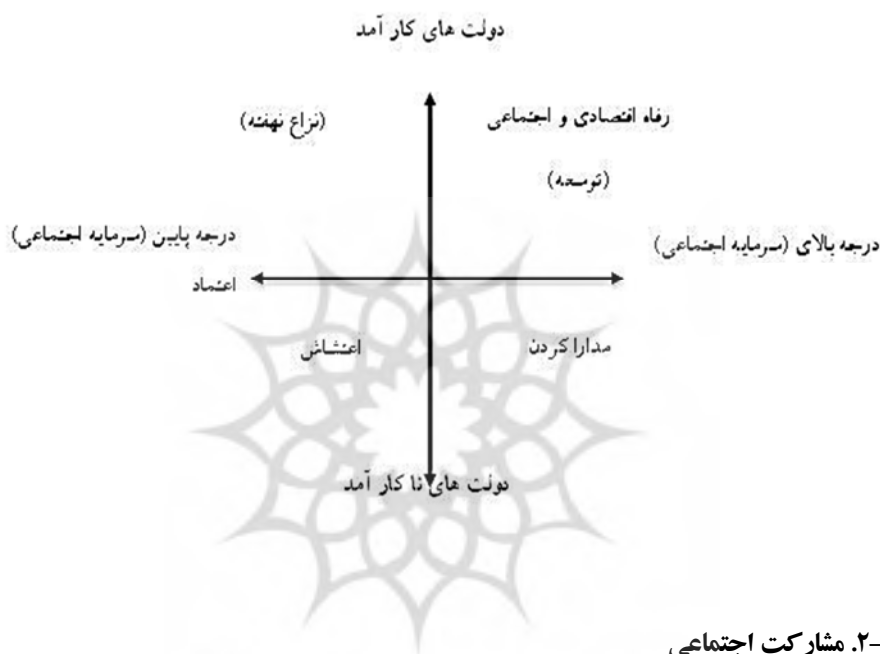
۲. مبانی مفهومی

۲-۱. سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی دلالت بر میزان مطلوبیت و پشتیبانی مردم و نهادهای اجتماعی برآمده از آن، از سیاست‌های دولت دارد. در جوامعی که از سرمایه اجتماعی در حد بالایی است، دولت و جامعه مکمل یکدیگرند و بنابراین احتمال موفقیت راهبردها و سیاست‌ها در عمل به مراتب بیشتر است. ولی هنگامی که سرمایه اجتماعی ضعیف باشد، گروه‌های قدرتمند به بهای حاشیه راندن گروه‌های دیگر، بر دولت چیرگی می‌یابند. خصلت بارز جوامعی از این قبیل «نزاع نهفته» است. از حیث نظری طرفداران سرمایه اجتماعی معتقدند که با شفافیت و افشای اطلاعات مربوط به سیاست‌ها و افزایش آگاهی شهروندان می‌توان کنش‌گران خصوصی و عمومی را مسئولیت‌پذیر و پاسخگو

ساخت (Lerner, 1956:75)، و به این ترتیب زمینه کارآمد سازی دولت و تحقق اهداف راهبردی آن را افزایش داد (در این ارتباط نگاه کنید به: نمودار شماره ۱).

نمودار شماره (۱): سرمایه اجتماعی، کارآمدی دولت و تحقق راهبردهای ملی



۲-۲. مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی به عنوان یکی از شاخصه های سرمایه اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن های داوطلبانه، اتحادیه ها و گروه هایی دارد و معمولاً خصیلتی غیردولتی دارند، که سیاست های اجتماعی و درگیر ساختن مردم در فرآیندهای اجتماعی مختلف را هدف خود می دانند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰، ص ۱۰). انجمن های داوطلبانه نوعی بستر سازی مناسب برای مشارکت اجتماعی را فراهم می آورند. از یک طرف شکل های مشارکتی با جلب همکاری افراد، زمینه اتصال هرچه بیشتر آنها به جامعه را فراهم آورده و مشارکت فردی در امور اجتماعی را افزایش می دهند و از سوی دیگر با بسط و تقویت همبستگی اجتماعی به گسترش مشارکت فعالانه و داوطلبانه افراد جامعه کمک می کنند (چلبی، ۱۳۸۲، ص ۲۹۰). با توجه به نظریه های

مختلف در زمینه توسعه می توان چنین اظهار داشت که پیشرفت به صورت پایدار و با هزینه اندک بدون مشارکت اجتماعی فعال و موثر اصولاً امکان پذیر نیست (نک.زارع و روهنده، ۱۳۹۴، ص ۶).

۲-۳. توسعه سیاسی

توسعه سیاسی یعنی فرآیندی که در جریان آن نظام‌های ساده اقتدارگرا جای خود را به نظام‌هایی با حق رأی همگانی، احزاب سیاسی و بوروکراسی‌های مدنی می‌دهند. بنابراین «اگر جامعه ای بخواهد به سوی توسعه برود، باید به سوی مشروعیت پیش رانده شود و منافع نخبگان سیاسی حاکم و منافع عموم مردم همسو و نزدیک گردد» (سریع القلم، ۱۳۷۱، ص ۲۲۱). لذا برای دستیابی به توسعه سیاسی وجود حداقلی از مشارکت و اعتماد مردم ضرورت دارد، و چنانچه این سطح از مشارکت و اعتماد اجتماعی فراهم نگردد، توسعه سیاسی امکان‌پذیر نخواهد بود. توسعه سیاسی دارای سه ضلع مهم دولت، جامعه مدنی و شهروندان می باشد (عبداللهی، ۱۳۹۰: ۲۲۸). با این وصف توسعه با مردم‌سالاری، برابری و مشارکت در ارتباط مستقیم است (نک. گن ذیر، ۱۳۶۹، صص ۲۵۲-۲۵۱). البته در این میان مشارکت اجتماعی جایگاه ویژه ای دارد چنان که رکن اصلی توسعه سیاسی پذیرش اعتبار قدرت اجتماعی و ورود معنادار آن به عرصه تحولات و مدیریت سیاسی کشور دانسته شده است (نک. لرنر، ۱۹۵۶، بشیریه ۱۳۸۰). به عبارت دیگر مشارکت اجتماعی مولفه بنیادین برنامه ریزی خوب است. طرح جامعه و فراگیر طرحی است که با مردم انجام شده باشد نه برای مردم (Zimmerman, 1996, p.1). برخی از مشکلات ساختاری و عملکردی برنامه‌های توسعه سیاسی ناشی از نارسایی‌هایی است که در این حوزه داریم، به خصوص اگر این نکته را در نظر بگیریم که قسمت بزرگی از هزینه‌های اجرایی شدن طرح‌ها را به طور مستقیم و غیرمستقیم مردم پرداخت می‌کنند، موضوع مشارکت مردم در امر توسعه ملموس تر می‌شود (پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۷۵). نتیجه مشارکت مردم در فرآیند توسعه می‌تواند تعهد آنها را به فعالیت‌های توسعه‌ای و اجتماع محلی شان تقویت کند (Mehta, 1984, p.78).

۳. مبانی نظری

با عنایت به تنوع و تعدد نظریه‌های توسعه، در ادامه مهمترین نظریه‌های توسعه سیاسی که در طراحی الگوی تحلیلی این نوشتار به کار آمده‌اند، معرفی و تحلیل می‌شوند:

۳-۱. نظریه جامعه شناختی توسعه سیاسی

زتومکا نویسنده و پژوهشگر لهستانی، ضمن ارائه یک ارزیابی جامع از اعتماد، بحث خود را در کتاب "نظریه جامعه‌شناختی اعتماد" بر محورهایی از قبیل موارد زیر استوار می‌کند: انواع اعتماد، بنیادهای اعتماد، کارکردهای اعتماد، فرهنگ اعتماد، اعتماد در نظام‌های دموکراسی و اعتماد و تغییر اجتماع. دغدغه اصلی زتومکا برای انجام کار تحقیقی در مورد توسعه سیاسی است. بر خلاف اغلب نظریه پردازان این حوزه، زتومکا توانسته است متغیرهای ساختاری مؤثر بر اعتماد یا بی‌اعتمادی در جامعه را به روشنی بیان نموده و اهمیت آن را خاطر نشان سازد. او معتقد است "سعی ما باید بر این باشد تا زمینه‌های وسیع تری را که موجب فرهنگ اعتماد و یا برعکس، فرهنگ بی‌اعتمادی می‌شوند، مشخص کنیم و ببینیم که چطور تاثیر این عوامل به مرور بر روی هم انباشت شده و سنت‌های دایمی و پایداری از اعتماد یا بی‌اعتمادی تعمیم یافته را دامن می‌زنند. اگر فرصت‌های ساختاری و منابع عاملیتی با یکدیگر هماهنگ باشند، آن گاه زمینه برای ظهور توسعه سیاسی فراهم خواهد بود. از نظر زتومکا، موقعیت مکانی می‌تواند تسهیل کننده اعتماد و یا بازدارنده آن باشد. در این بحث نیز مقصود زتومکا تاکید بر عوامل ساختاری است که در هر جامعه می‌تواند قابلیت توسعه سیاسی را افزایش یا کاهش دهد. در یک تحلیل کلی، می‌توان چنین گفت که زتومکا با جمع بندی نظریه‌های موجود درباره اعتماد و نگرش به توسعه سیاسی از جمله نظریه ی فوکویاما، ویلسون، کلمن، هاردین، لومان، گیدنز و دیگران، معتقد است این نظریه‌ها به دو دسته از عوامل: شامل عوامل انگیزشی مانند: انگیزه‌های اخلاقی (Putnam, 2000)، اعتماد بنیادی (گیدنز) جامعه پذیری فطری (Fukuyama, 1999) که از طبیعت انسانی سرچشمه می‌گیرند؛ و عوامل فرهنگی مانند "ارزش‌ها، هنجارها، نمادها، کدها، نهادها، شکل سازمانی، الگوهای گفتگو" و همچنین مهم تر از همه، موقعیت مکانی اعتماد و خصوصاً فرهنگ

اعتماد تقسیم می‌شوند بطور کلی زتومکا عوامل ساختاری مؤثر بر اعتماد یا بی‌اعتمادی سیاسی در بین شهروندان را به پنج عامل تقسیم می‌کند:

الف. همبستگی هنجاری یا متضاد آن، هرج و مرج هنجاری (آنومی).

ب. پایداری نظم، یا متضاد آن، تغییر بنیادی؛

پ. شفافیت سازمان اجتماعی یا متضاد آن، رازداری گسترده سازمان.

ت. انس و آشنایی، یا متضاد آن، بیگانه بودن با محیطی که مردم در آن دست به

کنش می‌زنند (حس تعلق به جامعه)

ث. پاسخگویی به مردم و نهادها و متضاد آن، خودسری و عدم مسئولیت‌پذیری

که با عنوان رضایت از اوضاع سیاسی از آن یاد شده است (زتومکا، ۲۷، ص. ۳۸۶).

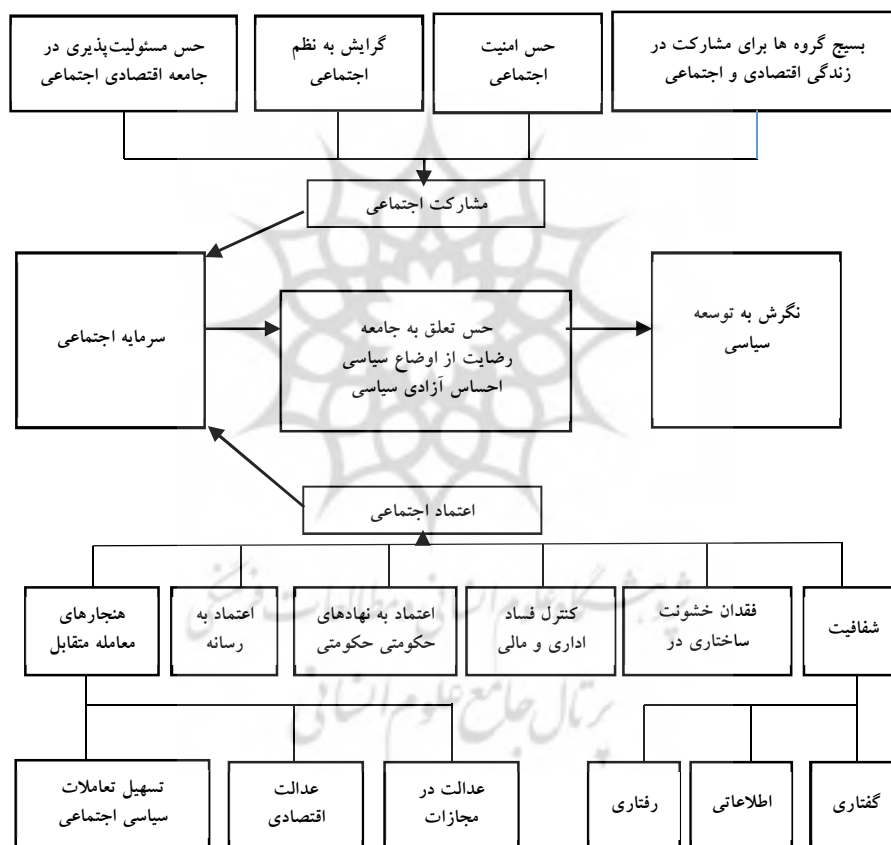
۳-۲. نظریه کارکردگرایی توسعه سیاسی

براساس تحلیل اندیشه‌های پاتنام و زتومکا در واکاوی مفهومی و کارکردی اعتماد اجتماعی می‌توان استدلال کرد که روابط و مشارکت اجتماعی خمیره مایه اعتماد اجتماعی است. در قالب اعتماد اجتماعی بین شخصی و تعمیم یافته، گسترده و شعاع این روابط سهم و نقش کلیدی پیدا می‌کنند، چرا که در صورت وجود اعتماد اجتماعی دایره شمول افرادی که می‌توان به آن‌ها اعتماد کرد وسیع‌تر می‌گردد و در واقع گروهی که فرد عضویت آنرا پذیرفته و اجتماعی که او به آن تعلق دارد، و هویتی که از طریق این گروه کسب نموده است، احساس تعلق اجتماعی به اجتماع یا گروه را تقویت می‌کند، همزمان با آن امنیت ایجاد می‌گردد، چرا که افراد در حوزه‌ای قرار می‌گیرند که جزء شمول اخلاقی است. بنابراین در چنین فضایی کسی در صدد آسیب رساندن به دیگران نیست و از میزان آسیب‌پذیری و ریسک کاسته می‌شود و در نتیجه عواملی که بیشترین مانع را در ایجاد و تقویت اعتماد به وجود می‌آورند مثل اضطراب، نگرانی و ترس وجود ندارد، با از بین رفتن ترس و نگرانی‌ها تغییر مهمی حاصل می‌شود و دوستی‌ها افزایش می‌یابد، با تقویت دوستی، مودت، اخوت و تعهد در ابعاد مختلف شکل می‌گیرد و افراد در آن حوزه نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت می‌کنند. اعتماد «موجودیت لنگرگاه گونه واقعیت» میباشد که در معنای عاطفی و تا حدی

در معنای معرفتی، ریشه در وثوق و اطمینان به اشخاص صالح و معتبر دارد در این حالت احساس امنیت در اجتماع تقویت می گردد که خود مقوم و تبیین کننده اعتماد سیاسی- اجتماعی است به عبارت دیگر وجود اعتماد در سطح بین شخصی و اعتماد تعمیم یافته، در تعاملات چهره به چهره و سایر تعاملات اجتماعی فضایی را پدید می آورد که فرد احساس تعلق بیشتری به جامعه می کند و از فشارهای ساختاری بر افراد کاسته یا به سخنی دیگر فرد بیشتر احساس آزادی سیاسی می کند و زمینه برای رضایت فرد از فضای ایجاد شده در ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد می گردد. تأکید عمده پاتنام بر مفهوم اعتماد است، اعتماد یکی از عناصر ضروری تقویت همکاری در جامعه می باشد که یک عنصر غیراختیاری و ناآگاهانه می باشد. اعتماد مستلزم پیش بینی رفتار یک بازیگر مستقل است. شما برای انجام کاری صرفاً به این دلیل که فردی یا نهادی می گوید آن را انجام خواهد داد به او اعتماد نمی کنید بلکه شما تنها به این دلیل به او اعتماد می کنید که با توجه به شناخت خود از خلق و خوی او و توانایی او حدس می زنید که او انجام این کار را بخواهد گیرد و در جوامع کوچک و به هم پیوسته این پیش بینی براساس چیزی انجام می شود که برناردویلیامز آن را اعتماد صمیمانه می نامد یعنی اعتقادی که به آشنایی نزدیک با این فرد بستگی دارد. اما در جوامع بزرگ تر و پیچیده تر یک اعتماد غیر شخصی تر یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت دارد و به نظر وی اعتماد اجتماعی در جوامع مدرن پیچیده از دو منبع مرتبط یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه های مشارکت مدنی ناشی می شود بنابراین با ایجاد چنین فضایی راه برای توسعه سیاسی که بر سه مولفه (احساس آزادی سیاسی، رضایت از اوضاع سیاسی و حس تعلق به جامعه) استوار است فراهم می گردد، که طی آن اعتماد متقابل بین دولت و مردم سطحی از آزادی سیاسی را امکانپذیر می سازد و رضایت طرفین را به همراه خواهد داشت. سرمایه اجتماعی جزئی از ساخت اجتماعی و کسب و مالکیت آن منوط به رابطه با دوام بین کنشگران به مدد هنجارهای عمل متقابل و اعتماد قلمداد می شود، و از رهگذر آن فرصت هایی برای بهره برداری از منابع دیگر کنشگران برای رسیدن به اهداف خاص (برای افراد یا برای عموم) فراهم می آید که در غیاب این منابع قابل نیل نیستند.

در این پژوهش چارچوب نظری را بر پایه رویکرد تلفیقی از تئوری های پاتنام، زتومکا و گیدنز قرار داده ایم. جامعیت رویکردهای نظری آنان، صورت بندی مشخص و دقیق از مفاهیم اعتماد اجتماعی شامل، اعتمادبین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی، و قابلیت نظری رویکرد آنان، پاسخگویی به تبیین توسعه سیاسی را امکان پذیر می سازد (نک. نمودار شماره ۲).

نمودار شماره (۲): الگوی تحلیل توسعه سیاسی



۴. روش شناسی

این تحقیق یک پیمایش اجتماعی است و واحد تحلیل و نیز سطح مشاهده فرد است.

جامعه آماری تحقیق نیز کلیه شهروندان تهرانی بالای ۱۸ سال شهر تهران اعم از زن و مرد می باشد، که در سال ۱۳۹۷ در این استان مشغول زندگی هستند. نمونه حدود ۷۵۰ نفر می باشد که با توجه به ناقص بودن ۲۶ عدد از پرسشنامه‌ها، از نمونه حذف گردیدند و نتایج تعداد ۷۲۴ عدد پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفت. از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده نموده‌ایم. در این راستا از بین مناطق ۲۲ گانه تهران به صورت تصادفی، ۵ منطقه (۲۲ و ۱۸، ۱۲، ۴، ۳) را از شمال، جنوب و مرکز، شرق و غرب تهران انتخاب کرده‌ایم. سپس از بین ۵ منطقه انتخابی، ۵ حوزه را برگزیدیم و از بین ۵ حوزه ۱۰ بلوک را به صورت تصادفی انتخاب کردیم و از هر بلوک به صورت تصادفی تعدادی خانوار را انتخاب و از میان خانوارها نمونه‌ای که شامل افراد بالای ۱۸ سال می شود را به صورت تصادفی ساده برگزیده ایم. با توجه به مقدار ضریب آلفای کرونباخ بدست آمده برای تمام ابعاد متغیرهای تحقیق که بالای ۷۰ درصد است می توان گفت که پرسشنامه از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

۵. یافته‌های توصیفی

از مجموع ۷۲۴ پاسخگو حدود ۵۲/۱ درصد مرد و ۴۶/۸ درصد نیز زن هستند و ۱/۱ درصد نیز جنسیت خود را ذکر نکردند. بالحاظ ترکیب سنی حدود ۶/۶ درصد از پاسخگویان در این نمونه متعلق به گروه سنی ۲۵ سال و کمتر می‌باشند، ۱۵/۲ درصد به گروه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال، ۱۷/۷ درصد به گروه سنی ۳۱ تا ۳۵ سال، ۲۱/۸ درصد به گروه سنی ۳۶ تا ۴۰ سال، ۱۵/۲ درصد به گروه سنی ۴۱ تا ۴۵ سال، ۹/۹ درصد به گروه سنی ۴۶ تا ۵۰ سال و ۱۱/۹ درصد به گروه بیشتر از ۵۰ سال تعلق دارند. همچنین ۱/۷ درصد نیز سن خود را ذکر نکردند. بالحاظ وضعیت تأهل ۲۶/۶ درصد از پاسخگویان متأهل و ۷۱/۴ درصد نیز مجرد هستند، و ۱/۹ درصد نیز وضعیت تأهل خود را ذکر نکردند. بالحاظ ترکیب تحصیلی ۰/۰۱ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات ابتدایی، ۱/۴ درصد راهنمایی، ۹/۱ درصد دیپلم یا دبیرستانی، ۱۰/۲ درصد فوق دیپلم، ۴۲/۷ درصد لیسانس، ۲۸/۹ درصد فوق لیسانس و ۶/۱ درصد دکتری می باشند. همچنین ۱/۵ درصد نیز تحصیلات خود را ذکر نکردند.

۶. یافته‌های تحلیلی

۶-۱. رابطه اعتماد اجتماعی و توسعه سیاسی

جدول زیر نشان می‌دهد که میزان همبستگی این دو متغیر ۰/۸۵۸ است. جهت رابطه مثبت و شدت آن بسیار قوی است و در سطح $Sig=0/000$ معنادار است. این رابطه نشان می‌دهد با افزایش میزان اعتماد اجتماعی در بین افراد نگرش به توسعه سیاسی در بین ایشان نیز قوی تر می‌شود.

جدول شماره (۱): آزمون رابطه بین اعتماد اجتماعی و توسعه سیاسی

متغیرها	تعداد پاسخگو	انحراف معیار	میانگین
توسعه سیاسی	۷۲۴	۷/۵۱۷	۲۵/۰۴
اعتماد اجتماعی	۷۲۴	۲۳/۵۸۰	۷۵/۶۵
$R=0/858$		$Sig=0/000$	

۶-۲. تأثیر اعتماد اجتماعی بر ابعاد سه گانه توسعه سیاسی

جدول شماره (۲): رابطه اعتماد اجتماعی و ابعاد سه گانه توسعه سیاسی

اعتماد اجتماعی		متغیر مستقل	
تعداد نمونه	معناداری	همبستگی	ابعاد متغیر وابسته
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۸۲۵	رضایت از اوضاع سیاسی
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۸۱۵	احساس آزادی سیاسی
۷۲۴	۰/۰۲۱	۰/۰۸۶	احساس تعلق به جامعه

یافته های جدول بالا نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی بر تمامی ابعاد سه گانه نگرش به توسعه سیاسی اثرگذار است و جهت رابطه نیز مثبت است. بدین معنا که با افزایش اعتماد اجتماعی در بین شهروندان تهرانی، هریک از ابعاد سه گانه نگرش نسبت به توسعه سیاسی تقویت می‌گردد. این رابطه در سطح نگرش افراد به توسعه سیاسی نیز معنادار است؛ چنان که در جدول زیر آمارها آن را تأیید می‌نمایند:

جدول شماره (۳): رابطه میان ابعاد اعتماد اجتماعی و توسعه سیاسی

توسعه سیاسی			متغیر وابسته
تعداد نمونه	معناداری	همبستگی	
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۷۰۶	کنترل فساد اداری و مالی
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۷۸۷	اعتماد به رسانه‌ها
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۵۸۷	عدالت در مجازات
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۵۲۸	تسهیل تعاملات سیاسی - اجتماعی
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۶۶۷	عدالت اقتصادی
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۶۵۳	شفافیت اطلاعاتی
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۶۵۲	شفافیت گفتاری
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۶۳۳	شفافیت رفتاری
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۵۹۳	فقدان خشونت ساختاری
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۷۹۶	اعتماد به نهادهای حکومتی
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۳۶۵	میزان انعطاف‌پذیری

یافته‌های جدول نشان می‌دهد که تمامی ابعاد اعتماد اجتماعی بر نگرش به توسعه سیاسی اثرگذار است و جهت رابطه نیز مثبت است. بدین معنا که با افزایش هر یک از ابعاد اعتماد اجتماعی، نگرش افراد به توسعه سیاسی تقویت می‌گردد.

۶-۳. رابطه مشارکت اجتماعی و توسعه سیاسی

معنای جدول زیر آن است که مشارکت اجتماعی بر نگرش به توسعه سیاسی مؤثر است. میزان همبستگی این دو متغیر ۰/۵۰۸ است. جهت رابطه مثبت و شدت آن متوسط است و در سطح Sig= 0/000 معنادار است. این رابطه نشان می‌دهد با افزایش میزان مشارکت اجتماعی در بین افراد نگرش به توسعه سیاسی در بین ایشان نیز قوی‌تر می‌شود.

جدول شماره (۴): آزمون رابطه بین مشارکت اجتماعی و توسعه سیاسی

متغیرها	تعداد پاسخگو	انحراف معیار	میانگین
توسعه سیاسی	۷۲۴	۷/۵۱۷	۲۵/۰۴
مشارکت اجتماعی	۷۲۴	۵/۰۴۴	۴۹/۹۵
R= 0/508		Sig= 0/000	

۴-۶. تأثیر مشارکت اجتماعی بر ابعاد سه گانه توسعه سیاسی

در اینجا هر یک از ابعاد سه گانه توسعه سیاسی که شامل رضایت از اوضاع سیاسی، احساس آزادی سیاسی و احساس تعلق به جامعه می باشد با متغیر مستقل مشارکت اجتماعی آزمون می شود.

جدول شماره (۵): رابطه مشارکت اجتماعی و ابعاد سه گانه توسعه سیاسی

مشارکت اجتماعی			متغیر مستقل
تعداد نمونه	معناداری	همبستگی	ابعاد متغیر وابسته
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۴۹۸	رضایت از اوضاع سیاسی
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۴۵۳	احساس آزادی سیاسی
۷۲۴	۰/۰۰۲	۰/۱۱۶	احساس تعلق به جامعه

با توجه به جدول فوق بین مشارکت اجتماعی و رضایت از اوضاع سیاسی در بین شهروندان تهرانی رابطه معناداری وجود دارد. بدین ترتیب که میزان همبستگی این دو متغیر ۰/۴۹۸ است. جهت رابطه مثبت و شدت آن متوسط است و در سطح $Sig.= 0/000$ معنادار است. این رابطه نشان می دهد با افزایش مشارکت اجتماعی، احساس آزادی سیاسی در بین شهروندان تهرانی تقویت می گردد و بالعکس.

بین مشارکت اجتماعی و احساس آزادی سیاسی در بین شهروندان تهرانی رابطه معناداری وجود دارد. بدین ترتیب که میزان همبستگی این دو متغیر ۰/۴۵۳ است. جهت رابطه مثبت و شدت آن متوسط است و در سطح $Sig.= 0/000$ معنادار است. این رابطه نشان می دهد با افزایش مشارکت اجتماعی، احساس آزادی سیاسی در بین شهروندان تهرانی تقویت می گردد و بالعکس.

بین مشارکت اجتماعی و احساس تعلق به جامعه در بین شهروندان تهرانی رابطه معناداری وجود دارد.

میزان همبستگی این دو متغیر ۰/۱۱۶ است. جهت رابطه مثبت و شدت آن نسبتاً ضعیف است اما در سطح $Sig.= 0/002$ معنادار است. این رابطه نشان می دهد با افزایش مشارکت اجتماعی، احساس تعلق به جامعه در بین شهروندان تهرانی تقویت می گردد و بالعکس.

۶-۵. تأثیر ابعاد مشارکت اجتماعی بر توسعه سیاسی

در اینجا هریک از ابعاد متغیر مستقل مشارکت اجتماعی با متغیر وابسته تحقیق یعنی توسعه سیاسی آزمون می شود.

جدول شماره (۶): رابطه میان ابعاد مشارکت اجتماعی و توسعه سیاسی

توسعه سیاسی			متغیر وابسته
تعداد نمونه	معناداری	همبستگی	
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۱۹۷	گرایش به نظم اجتماعی
۷۲۴	۰/۰۲۴	۰/۰۸۴	حس مسئولیت پذیری افراد
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۲۰۸	حس امنیت اجتماعی
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۶۰۳	بسیج گروه‌ها برای مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی

با توجه به جدول فوق بین گرایش به نظم اجتماعی و نوع نگرش به توسعه سیاسی در بین شهروندان تهرانی رابطه معناداری وجود دارد. بدین ترتیب که میزان همبستگی این دو متغیر ۰/۱۹۷ است. جهت رابطه مثبت و شدت آن ضعیف است و در سطح $\text{Sig} = 0/000$ معنادار است. این رابطه نشان می‌دهد با افزایش گرایش به نظم اجتماعی در بین شهروندان تهرانی، نگرش به توسعه سیاسی تقویت می‌گردد و بالعکس.

بین حس مسئولیت‌پذیری افراد و نوع نگرش به توسعه سیاسی در بین شهروندان تهرانی رابطه معناداری وجود دارد بدین ترتیب که میزان همبستگی این دو متغیر ۰/۰۸۴ است. جهت رابطه مثبت و شدت آن ضعیف است و در سطح $\text{Sig} = 0/024$ معنادار است. این رابطه نشان می‌دهد با افزایش حس مسئولیت‌پذیری در بین شهروندان تهرانی، نگرش به توسعه سیاسی تقویت می‌گردد و بالعکس.

بین حس امنیت اجتماعی و نوع نگرش به توسعه سیاسی در بین شهروندان تهرانی رابطه معناداری وجود دارد بدین ترتیب که میزان همبستگی این دو متغیر ۰/۲۰۸ است. جهت رابطه مثبت و شدت آن ضعیف است و در سطح $\text{Sig} = 0/000$ معنادار است. این رابطه نشان می‌دهد با افزایش حس امنیت اجتماعی در بین شهروندان تهرانی، نگرش به توسعه سیاسی تقویت می‌گردد و بالعکس.

بین بسیج گروه‌ها برای مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی و نوع نگرش به توسعه سیاسی در بین شهروندان تهرانی رابطه معناداری وجود دارد بدین ترتیب که میزان همبستگی این دو متغیر $0/603$ است. جهت رابطه مثبت و شدت آن قوی است و در سطح $Sig.= 0/000$ معنادار است. این رابطه نشان می‌دهد با افزایش بسیج گروه‌ها برای مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی در بین شهروندان تهرانی، نوع نگرش به توسعه سیاسی تقویت می‌گردد و بالعکس.

۶-۶. سطح مطلوبیت متغیرهای تحقیق

برای سنجش مطلوبیت نگرش افراد به توسعه سیاسی، اعتماد اجتماعی و هویت اجتماعی و ابعاد آن‌ها، از آزمون تی تک نمونه ای استفاده می‌کنیم. لازم به ذکر است، از آنجائیکه تعداد گویه‌های هر متغیر برابر نیست لذا نمرات هر متغیر را ابتدا استاندارد کرده ایم که به صورت درصد درآمده و میانگین نظری آن را برای تمام متغیرها ۵۰ در نظر گرفته‌ایم.

جدول شماره (۷): آزمون T تک نمونه ای برای متغیرهای تحقیق و ابعاد آن‌ها

Test Value = 50					متغیر
اختلاف میانگین	میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	میزان آزمون t	
-29.90331	20.0967	.000	723	-35.418	احساس آزادی سیاسی
-29.82735	20.1727	.000	723	-39.217	رضایت از اوضاع سیاسی
34.82390	84.8239	.000	723	57.476	احساس تعلق به جامعه
-18.10020	31.8998	.000	723	-28.507	توسعه سیاسی
-23.72238	26.2776	.000	723	-36.747	کنترل فساد اداری و مالی
-29.79109	20.2089	.000	723	-35.286	اعتماد به رسانه‌ها
-30.45580	19.5442	.000	723	-51.174	عدالت در مجازات
-23.90654	26.0935	.000	723	-33.081	تسهیل تعاملات سیاسی - اجتماعی
-30.80110	19.1989	.000	723	-31.937	عدالت اقتصادی
-32.35497	17.6450	.000	723	-49.568	شفافیت اطلاعاتی
-34.87569	15.1243	.000	723	-49.784	شفافیت گفتاری
-25.01727	24.9827	.000	723	-37.202	شفافیت رفتاری
-18.83633	31.1637	.000	723	-30.043	فقدان خشونت ساختاری
-31.71271	18.2873	.000	723	-39.327	اعتماد به نهادهای حکومتی

Test Value = 50					متغیر
اختلاف میانگین	میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	میزان آزمون t	
-23.89503	26.1050	.000	723	-30.604	میزان انعطاف‌پذیری
-27.71840	22.2816	.000	723	-50.607	اعتماد اجتماعی
10.43681	60.4368	.000	723	25.875	گرایش به نظم اجتماعی
6.42265	56.4227	.000	723	11.730	حس مسئولیت‌پذیری افراد
-20.63766	29.3623	.000	723	-25.59	بسیج گروه‌ها برای مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی
8.25737	58.2574	.000	723	26.432	مشارکت اجتماعی

در جداول فوق نتایج آزمون آماری t تک‌نمونه‌ای برای بررسی متغیر توسعه سیاسی و ابعاد سه گانه آن حاکی از آن است که تنها بُعد احساس تعلق به جامعه در سطح مطلوبی قرار دارد، و همچنین متغیر اعتماد اجتماعی و تمامی ابعاد یازده گانه آن در سطح مطلوبی قرار ندارد. بررسی داده‌های متغیر مشارکت اجتماعی و ابعاد آن نیز حاکی از آن است که متغیر مشارکت اجتماعی و ابعاد حس مسئولیت‌پذیری افراد، حس امنیت اجتماعی و گرایش به نظم اجتماعی در سطح مطلوبی قرار دارند. اما بُعد بسیج گروه‌ها برای مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی در سطح مطلوبی قرار ندارد. با توجه به اینکه سطح معناداری آنها کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت نتایج بدست آمده بالحاظ آماری قابل قبول است.

۷. اولویت بندی متغیرها

۷-۱. توسعه سیاسی و ابعاد آن

در رتبه بندی بدست آمده از طریق آزمون فریدمن در خصوص بررسی و مقایسه اولویت بندی شاخص‌های توسعه سیاسی، شاخص احساس تعلق به جامعه با میانگین رتبه ۲/۹۸ در رتبه اول، شاخص رضایت از اوضاع سیاسی با میانگین رتبه ۱/۵۲ در رتبه دوم و شاخص احساس آزادی سیاسی با میانگین رتبه ۱/۵۱ در رتبه سوم قرار دارد. با توجه مقدار کای اسکوتر بدست آمده (۱۰۶۱/۲۶۸) و سطح معناداری حاصله که کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد، می‌توان این اولویت بندی را بالحاظ آماری مورد تأیید دانست.

جدول شماره (۸): مقایسه میانگین رتبه بندی شده شاخص های توسعه سیاسی

Sig.	df	Chi-Square	میانگین رتبه	تعداد	توسعه سیاسی
۰/۰۰۰	۲	۱۰۶۱/۲۶۸	۱/۵۱	۷۲۴	احساس آزادی سیاسی
			۱/۵۲	۷۲۴	رضایت از اوضاع سیاسی
			۲/۹۸	۷۲۴	احساس تعلق به جامعه

۷-۲. اعتماد اجتماعی و ابعاد آن

همانگونه که در جدول زیر دیده می‌شود، در رتبه بندی بدست آمده از طریق آزمون فریدمن در خصوص بررسی و مقایسه اولویت‌های شاخص‌های اعتماد اجتماعی، شاخص فقدان خشونت ساختاری با میانگین رتبه ۸/۱۰ در رتبه اول، شاخص کنترل فساد اداری و مالی با میانگین رتبه ۷/۴۶ در رتبه دوم، شاخص تسهیل تعاملات سیاسی - اجتماعی با میانگین رتبه ۷/۰۹ در رتبه سوم، شاخص شفافیت رفتاری با میانگین رتبه ۶/۸۱ در رتبه چهارم، شاخص میزان انعطاف‌پذیری با میانگین رتبه ۶/۶۳ در رتبه پنجم، شاخص عدالت در مجازات با میانگین رتبه ۵/۵۹ در رتبه ششم، شاخص شفافیت اطلاعاتی با میانگین رتبه ۵/۳۳ در رتبه هفتم، شاخص اعتماد به رسانه با میانگین رتبه ۵/۲۰ در رتبه هشتم، شاخص اعتماد به نهادهای حکومتی با میانگین رتبه ۴/۹۴ در رتبه نهم، شاخص عدالت اقتصادی با میانگین رتبه ۴/۵۴ در رتبه دهم و شاخص شفافیت گفتاری با میانگین رتبه ۴/۳۱ در رتبه یازدهم قرار دارد. با توجه مقدار کای اسکور بدست آمده (۱۱۲۶/۲۱) و سطح معناداری حاصله که کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد، می‌توان این اولویت بندی را به لحاظ آماری مورد تأیید دانست.

جدول شماره ۹: مقایسه میانگین رتبه بندی شده شاخص های اعتماد اجتماعی

Sig.	df	Chi-Square	میانگین رتبه	تعداد	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	۱۰	۱۱۲۶/۲۱	7.46	۷۲۴	کنترل فساد اداری و مالی
			5.20	۷۲۴	اعتماد به رسانه‌ها
			5.59	۷۲۴	عدالت در مجازات
			7.09	۷۲۴	تسهیل تعاملات سیاسی - اجتماعی
			4.54	۷۲۴	عدالت اقتصادی
			5.33	۷۲۴	شفافیت اطلاعاتی
			4.31	۷۲۴	شفافیت گفتاری
			6.81	۷۲۴	شفافیت رفتاری

Sig.	df	Chi-Square	میانگین رتبه	تعداد	اعتماد اجتماعی
			8.10	۷۲۴	فقدان خشونت ساختاری
			4.94	۷۲۴	اعتماد به نهادهای حکومتی
			6.63	۷۲۴	میزان انعطاف پذیری

۷-۳. مشارکت اجتماعی و ابعاد آن

همانگونه که در جدول شماره ۱۰ دیده می‌شود، در رتبه بندی بدست آمده از طریق آزمون فریدمن در خصوص بررسی و مقایسه اولویت‌های شاخص‌های مشارکت اجتماعی، شاخص بسیج گروه‌ها برای مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی با میانگین رتبه ۳/۷۵ در رتبه اول، شاخص گرایش به نظم با میانگین رتبه ۲/۶۰ در رتبه دوم، شاخص حس مسئولیت پذیری با میانگین رتبه ۲/۳۵ در رتبه سوم و شاخص حس امنیت با میانگین رتبه ۱/۳۰ در رتبه چهارم قرار دارد. با توجه مقدار کای اسکوئر بدست آمده (۱۳۷۱/۱۳۶) و سطح معناداری حاصله که کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد، می‌توان این اولویت بندی را بالحاظ آماری مورد تأیید دانست.

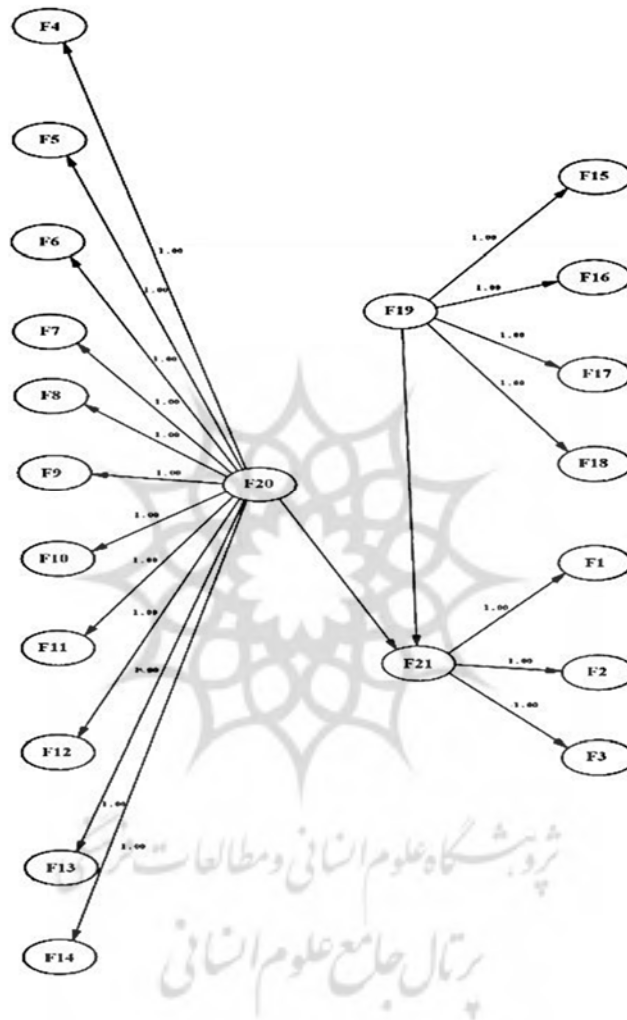
جدول شماره ۱۰: مقایسه میانگین رتبه بندی شده شاخص‌های مشارکت اجتماعی

Sig.	df	Chi-Square	میانگین رتبه	تعداد	مشارکت اجتماعی
۰/۰۰۰	۳	۱۳۷۱/۱۳۶	۲/۶۰	۷۲۴	گرایش به نظم اجتماعی
			۲/۳۵	۷۲۴	حس مسئولیت‌پذیری افراد
			۱/۳۰	۷۲۴	حس امنیت اجتماعی
			۳/۷۵	۷۲۴	بسیج گروه‌ها برای مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی

۸. معادلات ساختاری: برازش مدل ساختاری تحقیق

در این قسمت به بررسی برازش مدل با استفاده از نرم‌افزار AMOS می‌پردازیم، بدین معنا که آیا مدل تحقیق برشی از واقعیت هست یا خیر؟ برای دست یابی به این مسأله ابتدا همه متغیرها را در مدل وارد می‌کنیم، و سپس براساس آماره‌های مربوط برازش مدل را قضاوت خواهیم نمود.

شکل شماره (۱): مدل اندازه‌گیری متغیرهای مستقل
با نوع نگرش به توسعه سیاسی و ابعاد سه‌گانه آن در حالت استاندارد*



* علائم اختصاری مدل: احساس آزادی سیاسی (F1)، رضایت از اوضاع سیاسی (F2)، احساس تعلق به جامعه (F3)، توسعه سیاسی (F19)، کنترل فساد اداری و مالی (F4)، اعتماد به رسانه‌ها (F5)، عدالت در مجازات (F6)، تسهیل تعاملات سیاسی - اجتماعی (F7)، عدالت اقتصادی (F8)، شفافیت اطلاعاتی (F9)، شفافیت گفتاری (F10)، شفافیت رفتاری (F11)، فقدان خشونت ساختاری (F12)، اعتماد به نهادهای حکومتی (F13)، میزان انعطاف‌پذیری (F14)، اعتماد اجتماعی (F20)، هویت دینی (F15)، هویت جهانی (F16)، هویت ملی (F17)، هویت فرهنگی (F18)، هویت اجتماعی (F21).

شاخص‌های برازش مدل فوق در جدول زیر مشاهده می‌شود:

جدول شماره (۱۱): شاخص‌های برازش مدل*

شاخص‌های نیکویی برازش				
IFI	CFI	NFI	RMSEA	CMIN/DF
۰/۹۲	۰/۹۰	۰/۹۴	۰/۰۷۱	۲/۹۶۰

لازم به ذکر است حاصل CMIN/DF هر چه کوچکتر باشد بیانگر برازش بهتر است و معمولاً عدد ۵ را به عنوان نقطه برش مد نظر قرار می‌دهند. شاخص RMSEA نیز هر چه به صفر نزدیکتر باشد بیانگر برازش بهتر است. معمولاً عددی بین ۰/۰۵ تا ۰/۱۰ به عنوان نقطه برش مد نظر قرار می‌گیرد. سایر شاخص‌ها (CFI، IFI و NFI) هر چه به یک نزدیکتر باشد بیانگر برازش بهتر است. همان طور که مشاهده می‌شود حاصل تقسیم مقدار خنثی دو بر درجه آزادی برابر با ۲/۹۶۰ است. همچنین مقدار RMSEA برابر با ۰/۰۷۱ است. اما مقدار NFI، CFI و IFI اندکی از نقطه برش تعیین شده کمتر است. در کل می‌توان گفت که شاخص‌های برازش حاکی از آن است که مدل بدست آمده قابل انطباق با جامعه آماری هست.

۹. یافته‌های استنباطی

توسعه سیاسی یک حرکت تحول پذیر در فضای سیاسی جامعه تلقی می‌شود که نشان دهنده تحول در جامعه است. حرکتی که از مناسبات سنتی در امور سیاسی فاصله و به سمت روش‌های مدرن در برخورد با امور سیاسی در جریان است. جریانات سیاسی در جوامع سنتی در گذشته به این صورت بود که شخص حاکم و درباریان همه امور اداره حکومت را در اختیار داشتند و مطابق سلاطین خود بر جامعه حکومت می‌کردند، اما سیاست در دنیای مدرن امروزی پیچیده تر از آن چیزی است که در گذشته وجود داشته است. امروز در سیاست مردم در سرنوشت سیاسی خود به فراخور توانایی هایشان دخیل هستند. بنابراین در اینجا بحث مشارکت مردم در امور مربوط به

* CMIN/DF (خنثی دو تقسیم بر درجه آزادی)؛ NFI (شاخص برازش تعدیل شده)؛ CFI (شاخص برازش مقایسه‌ای)؛ IFI (شاخص برازش افزایشی)؛ RMSEA (ریشه میانگین مجذور خطای برآورد).

جامعه‌ای که در آن زیست می‌کنند مطرح است. در این راستا پژوهش حاضر کوشید تأثیری که سرمایه اجتماعی افراد که در دو جنبه اعتماد و مشارکت اجتماعی مطرح گردید را بر نوع نگرش به توسعه سیاسی نمایان سازد. در این راستا به تحلیل اثرگذاری ابعاد سرمایه اجتماعی بر توسعه سیاسی خواهیم پرداخت سپس در ادامه در مقام جمع بندی به تحلیل اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر توسعه سیاسی و ابعاد آن خواهیم پرداخت.

در اکثر تعاریفی که از سرمایه اجتماعی به عمل آمده است اعتماد به عنوان یکی از عناصر تشکیل دهنده آن در نظر گرفته شده است. به هر حال اعتماد را می‌توان به عنوان جز ذهنی سرمایه اجتماعی تلقی کرد یا در یک ارتباط دیالکتیکی آن را هم به عنوان علت و هم پیامد سرمایه اجتماعی دانست. به اعتقاد پاتنام اعتماد به همان اندازه که یک نگرش شخصی است یک دارایی ضروری نظام اجتماعی نیز هست. همه نظام‌ها به وجود اعتماد بین دولت و شهروندان نیاز دارند تا در مسیر توسعه گام بردارند. اعتماد عنصری اساسی در تمامی روندهای برنامه ریزی، تصمیم گیری و اجرا در امور سیاسی می‌باشد، و یک نظام سیاسی قبل از اینکه بخواهد وارد هر یک از این سه مرحله گردد نیازمند سطحی از اعتماد مردم به خود است. نگاهی به کشورهای مختلف نشان می‌دهد که هر اندازه که از نظام‌های توسعه نیافته به سوی نظام‌های توسعه یافته حرکت کنیم، نظام سیاسی از مشروعیت بیشتری برخوردار است. همچنین روند اعتماد اجتماعی نیز در این کشورها گویای این مطلب است که اعتماد اجتماعی در جوامع توسعه یافته بیشتر از کشورهایی است که از سطح توسعه پائین تری برخوردارند. بنابراین به نظر می‌رسد که رابطه اعتماد اجتماعی با توسعه سیاسی یک رابطه متقابل است.

در این پژوهش سعی شده است که سهم متغیر اعتماد اجتماعی و ابعاد آن به عنوان یک شاخص از سرمایه اجتماعی در نگرش شهروندان تهرانی نسبت به نوع نگرش به توسعه سیاسی مورد بررسی قرار گیرد. در راستای فرضیات تحقیق اعتماد اجتماعی و هر یک از ابعاد یازده گانه آن از متغیرهای اثرگذار بر نگرش نسبت به توسعه سیاسی در نظر گرفته شده است. رابطه اعتماد اجتماعی و ابعاد آن در قالب فرضیات تحقیق مورد پژوهش تجربی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که اعتماد اجتماعی و تمامی ابعاد یازده گانه آن بر روی نگرش شهروندان تهرانی نسبت به توسعه سیاسی تأثیر مثبت

دارند. همچنین متغیر اعتماد اجتماعی بر روی سه بُعد نگرش نسبت به توسعه سیاسی یعنی ابعاد رضایت از اوضاع سیاسی، احساس آزادی سیاسی و احساس تعلق به جامعه نیز تأثیر مثبت دارد. به لحاظ مطلوبیت نگرش شهروندان تهرانی به توسعه تنها بُعد احساس تعلق به جامعه در سطح مطلوبی قرار دارد، و ابعاد احساس آزادی سیاسی و رضایت از اوضاع سیاسی و همچنین متغیر نگرش به توسعه سیاسی در بین افراد در سطح مطلوبی قرار ندارد. همچنین متغیر اعتماد اجتماعی و تمامی ابعاد یازده گانه آن نیز در سطح مطلوبی قرار ندارند. به نظر می‌رسد که عدم مطلوبیت میزان انعطاف پذیری شهروندان حاکی از آن است که آنان به دنبال تغییر ساختار جامعه نیستند بلکه بیشتر خواهان اصلاح وضعیت موجود می‌باشند. بالحاظ اولویت بندی ابعاد توسعه سیاسی بُعد احساس تعلق به جامعه در اولویت نخست و ابعاد رضایت از اوضاع سیاسی و احساس آزادی سیاسی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در خصوص اولویت بندی ابعاد اعتماد اجتماعی نیز فقدان خشونت ساختاری در اولویت نخست، و ابعاد کنترل فساد اداری و مالی، تسهیل تعاملات سیاسی - اجتماعی، شفافیت رفتاری، میزان انعطاف‌پذیری، عدالت در مجازات، شفافیت اطلاعاتی، اعتماد به رسانه، اعتماد به نهادهای حکومتی، عدالت اقتصادی و شفافیت گفتاری در اولویت‌های بعدی قرار دارند. همچنین بررسی برآزش حاصل از معادلات ساختاری نیز گویای این مطلب است که اثرگذاری بدست آمده از متغیر اعتماد اجتماعی و ابعاد آن بر نگرش به توسعه سیاسی با اطمینان بالای منطبق بر جامعه آماری است. همچنین نتایج تحقیق گویای این مهم است که ابعاد اعتماد اجتماعی توانسته است به نسبت بالایی نگرش به توسعه سیاسی را در بین شهروندان تهرانی تبیین نماید.

نتیجه‌گیری

به لحاظ تئوریک نیز می‌توان گفت که نتایج بدست آمده در راستای نظریات زتومکا و پاتنام می‌باشد. زتومکا و پاتنام معتقدند که اعتماد اجتماعی از متغیرهای اثرگذار بر توسعه سیاسی است، و زمینه ساز تعهد و وفاداری شهروندان به نظام سیاسی می‌باشد. در این راستا یکی از نتایج این تحقیق مربوط به اثرگذاری شفافیت اطلاعاتی، رفتاری و

گفتاری بر توسعه سیاسی است که این متغیرها مورد تأکید زتومکا قرار می‌گیرد. زتومکا یکی از عوامل ساختاری اعتماد را مربوط به شفافیت نهادها و سازمان‌های اجتماعی و متضاد آن رازداری و پنهان کاری گسترده سازمان‌ها می‌داند، که عدم وجود این شفافیت‌ها عملکرد و کارایی نظام سیاسی را با مشکل مواجه می‌کند و در روند توسعه سیاسی اختلال ایجاد می‌کند. تسهیل تعاملات سیاسی - اجتماعی نیز از عوامل اثرگذار بر نگرش به توسعه سیاسی است که با نظریه زتومکا قابل تبیین می‌باشد. به لحاظ تجربی هم می‌توان گفت که نتایج پژوهش حاضر در خصوص اثرگذاری اعتماد اجتماعی بر توسعه سیاسی در راستای تحقیقات روتستین (۲۰۰۰)، آلبانو و باربارا (۲۰۰۹)، حسین بشیریه (۱۳۸۰)، کیان تاج بخش (۱۳۸۴)، میر طیب موسوی (۱۳۸۹) و پرویز پیران (۱۳۹۲) قرار می‌گیرد.

مشارکت اجتماعی شاخص دیگری از متغیر سرمایه اجتماعی در این پژوهش است که اثرگذاری آن بر نوع نگرش شهروندان به توسعه سیاسی مورد توجه قرار گرفت: نتایج حاکی از آن است که مشارکت اجتماعی و تمامی ابعاد چهارگانه آن بر روی نگرش شهروندان تهرانی نسبت به توسعه سیاسی تأثیر مثبت دارند. همچنین متغیر مشارکت اجتماعی بر روی سه بُعد نگرش نسبت به توسعه سیاسی یعنی ابعاد رضایت از اوضاع سیاسی، احساس آزادی سیاسی و احساس تعلق به جامعه نیز تأثیر مثبت دارد. بالحاظ مطلوبیت متغیر مشارکت اجتماعی و ابعاد آن، متغیر مشارکت اجتماعی و ابعاد حس مسئولیت پذیری افراد، حس امنیت اجتماعی و گرایش به نظم اجتماعی در سطح مطلوبی قرار دارند. اما بُعد بسیج گروه‌ها برای مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی در سطح مطلوبی قرار ندارد. بالحاظ اولویت بندی ابعاد توسعه سیاسی بُعد احساس تعلق به جامعه در اولویت نخست و ابعاد رضایت از اوضاع سیاسی و احساس آزادی سیاسی در اولویت‌های بعدی قرار دارند. در خصوص اولویت بندی ابعاد مشارکت اجتماعی نیز بُعد بسیج گروه‌ها برای مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی در اولویت نخست، و ابعاد گرایش به نظم با میانگین، حس مسئولیت پذیری و حس امنیت در اولویت‌های بعدی پاسخگویان قرار می‌گیرند. سرمایه اجتماعی که برآمد یافته‌های دو مولفه اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی است نیز مورد پژوهش تجربی قرار

گرفت. نتایج نشان داده که سرمایه اجتماعی بر روی توسعه سیاسی تأثیر مثبت دارد. همچنین این متغیر بر ابعاد سه گانه توسعه سیاسی یعنی رضایت از اوضاع سیاسی، احساس آزادی سیاسی و بر احساس تعلق به جامعه نیز تأثیر مثبت دارد.

کتابنامه

- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). «بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان یافته روستائیان در نواحی روستایی شهر کاشان»، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۶۵، صص ۲۰۶-۱۷۵.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نشر نی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰). موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران: نشر گام نو.
- پاتنام، رابرت (۱۳۹۲). دموکراسی و سنت‌های مدرن، ترجمه محمد تقی دلفروز در سال ۱۳۷۷، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.
- پاک‌سرشت، سلیمان (۱۳۹۳). «ملاحظات و راهبردهای ارتقای سرمایه اجتماعی»، مجله راهبرد فرهنگ، شماره بیست و پنجم، بهار.
- پورا احمد، احمد؛ حاتمی نژاد، حسین؛ حسینی، سید هادی (۱۳۸۵)؛ «آسیب شناسی طرح‌های توسعه شهر در کشور»، پژوهش‌های جغرافیایی، سال پانزدهم، شماره ۵۸، صص ۱۸۰-۱۶۷.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران: نشر شیرازه.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- زارع، بیژن؛ روهنده، مجید (۱۳۹۴)، «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت اجتماعی-سیاسی (مطالعه‌ای در باب شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرج)»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره نهم، شماره ۲، تابستان ۹۴، صص ۸۷-۶۴.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۶). اعتماد نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: نشر شیرازه.
- سریع القلم، محمود (۱۳۷۱). «سنت، مدرنیسم و فرهنگ توسعه»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال ۷، ش ۳ و ۲، مهر و آبان.
- سلمان، حسین (۱۳۹۴). بررسی میزان پوشش مفاهیم توسعه سیاسی در ماهنامه مهرنامه در سال ۱۳۹۳، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم ارتباطات و مطالعات رسانه، تهران: دانشگاه آزاد تهران مرکزی.
- عبداللهی، محمد (۱۳۹۰). علل و موانع قانون‌گرایی در ایران، تهران: نشر طرح نو.
- غفاری هاشجین، زاهد؛ ییگی نیا، عبدالرضا؛ تصمیم‌قطعی، اکرم (۱۳۸۹)، «عوامل موثر بر مشارکت سیاسی

- دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی، پاییز و زمستان، صص ۲۰۷-۲۴۰
- گن زیر، ایرنه (۱۳۶۹). کارگردانی دگرگونی سیاسی در جهان سوم، ترجمه احمد تدین، تهران: نشر سفیر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- موسوی، میر طیب (۱۳۸۹). «اندیشه سرمایه اجتماعی وفاق اجتماعی توسعه سیاسی و امنیت ملی»، مجله علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج، شماره ۱۳، صص ۱۳۸-۱۱۵.
- Christopher, J. Bicker (2007). Legitimacy through Norms: the political limits of Europe Normative power, university of oxford, OXI, 3JP, UK.
- Fukuyama, f (1999). Social capital and civil society, The institute of public policy, George mason university.
- Hamilton, Hamish (1996). Cultural Explanations; the Man in the Baghdad Cape. The Economist (Nov. 9th,).
- Lerner, Danial (1964). The passing of Traditional society, New York, the Macmillian Com.
- Mehta, Shirr (1984). Rular development policies and programs. London: Sage.
- Putnam R (2000). Social capital: measurement and consequence Kennedy school of government, Harvard University, [Http://www.oecd.org/cer/obj](http://www.oecd.org/cer/obj).
- Roberto, Albano and Filipe, Barbara (2009). Social Capital, Welfare state and Political Legitimacy, American behavioral scientist.
- Rothstein, Bo (2000). Social Capital and Institution legitimacy, Goteborg University, Sweden.
- Sztompka, P (1999). *trust and emerging democracy lessons from Poland, international sociology, Vol.11*.
- Taylor , Peter (2009). Political Legitimacy and social citizenship: a dilemma of austerity, paper presented for the social policy association annual conference, July 2009.
- Zimmerman, Abraham, (1996). Public Participation in Planing, Common Questions about Planing in Arizona Issus 6, February.